



A Systemic Analysis of Structural Factors of Rural Poverty in Lorestan Province

Case Study: Dahram Village

Hasanreza Yosofvand¹ | Akram Hamidian²

1. Department of Sociology, Faculty of Law and Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran.

E-mail: yosofvand@pnu.ac.ir

2. Sociology Department, Agricultural Education and Extension Institute, Isfahan Agricultural and Natural Resources Research and Education Center, AREEO, Isfahan, Iran. Email: a.hamidian@areeo.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 09 December 2024

Received in revised form: 12 April 2025

Accepted: 28 May 2025

Published online: 06 July 2025

Keywords:

Dahram Village, Gender Inequality, Land Fragmentation, Land Ownership Inequality, Poverty..

ABSTRACT

Inequalities in land tenure, land fragmentation, and gender inequality are the primary causes of rural poverty in Iran, which is a significant impediment to sustainable development.

This study aims to investigate the impact of structural factors on poverty in Dahram village through a mixed-methods (quantitative and qualitative) approach. The quantitative section comprises 48 farming households in the village, and a comprehensive enumeration was conducted due to the small population size. Quantitative data were collected using a structured questionnaire and analyzed in SPSS software. Qualitative data were gathered through semi-structured interviews and field observations. In the qualitative section, 15 individuals (farmers, women, and local elders) were selected through theoretical sampling until theoretical saturation was achieved.

Quantitative analysis demonstrated that 35.4% of households possess 66.6% of the land. Incomes of lower-class households, which have an average landholding of 0.84 hectares, are 1.43 million IRR, which is below the poverty threshold of 9.8 million IRR. Land fragmentation has reduced productivity. The structural factors that contributed to poverty were identified as limited access to land (46.7% of codes), gender discrimination (33.3%), and social pressures such as migration and despair (20%) in qualitative findings.

Land ownership inequality, land fragmentation, and gender discrimination perpetuate poverty by reducing production, restricting participation, and perpetuating social repercussions. The development of diversified cropping systems, joint land registration for women and men, and land consolidation are among the recommendations. This research offers a localized model and solutions for poverty reduction in rural areas that are comparable.

Cite this article: Yousefvand, H. R. & Hamidian, A. (2025). A Systemic analysis of structural factors in Lorestan province: Case study: Dehram village. *Community Development (Rural and Urban)*, 17 (1):123-141.

<https://doi.org/10.22059/jrd.2025.393068.668916>



Authors retain the copyright and full publishing rights. Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.393068.668916>

تحلیل سیستمی عوامل ساختاری فقر روستایی در استان لرستان

مورد مطالعه: روستای دهرم

حسن‌رضا یوسفوند^۱ | اکرم حمیدیان^۲۱. گروه جامعه‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور تهران، ایران. رایانامه: yosofvand@pnu.ac.ir

۲. گروه جامعه‌شناسی، مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان اصفهان، معاونت آموزش و ترویج کشاورزی، اصفهان، ایران.

رایانامه: a.hamidian@areeo.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۹/۱۹ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۳/۷ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۴/۱۵	فقر روستایی در ایران، مانعی کلیدی برای توسعه پایدار است که از نابرابری در مالکیت زمین، خردشدن اراضی و نابرابری جنسیتی ناشی می‌شود. این پژوهش با هدف بررسی تأثیر عوامل ساختاری فقر در روستای دهرم، با استفاده از رویکرد ترکیبی (کمی و کیفی) انجام گرفت. در بخش کمی، جامعه آماری شامل ۴۸ خانوار کشاورز روستا بود که به دلیل کوچک بودن جامعه، همه‌شماری انجام شد. داده‌های کمی با استفاده از پرسشنامه ساختاریافته گردآوری و در نرم‌افزار SPSS تحلیل شدند. داده‌های کیفی از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و مشاهدات میدانی گردآوری شد. در بخش کیفی، با نمونه‌گیری نظری، ۱۵ نفر (کشاورزان، زنان و معتمدان) انتخاب شدند و اشباع نظری حاصل شد. تحلیل کمی یافته‌ها نشان داد ۶۶/۶ درصد زمین‌ها در اختیار ۳۵/۴ درصد خانوارها قرار دارد. خانوارهای طبقات پایین‌تر با میانگین ۰/۸۴ هکتار زمین، درآمدی معادل ۱/۴۳ میلیون تومان دارند که زیر خط فقر ۹/۸ میلیون تومان است. خردشدن اراضی، بهره‌وری را کاهش داده است. یافته‌های کیفی نیز محدودیت زمین (۴۶/۷ درصد کدها)، تبعیض جنسیتی (۳۳/۳ درصد) و فشارهای اجتماعی مانند مهاجرت و ناامیدی (۲۰ درصد) را به عنوان عوامل ساختاری فقر شناسایی کرد. کلیدواژه‌ها: خردشدن اراضی، روستای دهرم، فقر، نابرابری جنسیتی، نابرابری مالکیت زمین. می‌دهد.

استناد: یوسفوند، حسن‌رضا و حمیدیان، اکرم (۱۴۰۴). تحلیل سیستمی عوامل ساختاری فقر روستایی در استان لرستان (مورد مطالعه: روستای دهرم). توسعه محلی (روستایی - شهری) ۱۷ (۱): ۱۴۱-۱۲۳. ۲۸۶. <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.393068.668916>



نویسندگان حق نشر و حقوق کامل انتشار را حفظ می‌کنند.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.393068.668916>

۱. مقدمه و بیان مسئله

مناطق روستایی به لحاظ داشتن منابع طبیعی و انسانی می‌توانند موجب توسعه کشور شوند (دربان و همکاران، ۱۳۹۷). فقر روستایی یکی از موانع اصلی دستیابی به توسعه پایدار در جهان و ایران است که با محرومیت‌های چندبعدی در حوزه‌های درآمد، آموزش، سلامت و زیرساخت‌ها، جوامع روستایی را در برابر آسیب‌های اقتصادی-اجتماعی شکننده می‌کند. برخی از ابعاد فقر ساختاری است و ریشه در مناسبات اقتصادی و اجتماعی جامعه دارد (هاشمی و مصطفوی، ۱۴۰۳: ۴۲۰). براساس گزارش فائو^۱، بیش از ۷۰ درصد فقرای جهان در مناطق روستایی ساکن‌اند و وابستگی به کشاورزی معیشتی، آن‌ها را در معرض شوک‌های زیست‌محیطی و اقتصادی قرار می‌دهد. در ایران، مطالعات نشان داده‌اند که فقر روستایی تحت تأثیر عواملی مانند تورم، بیکاری، خردشدن اراضی و نابرابری در توزیع منابع تشدید شده است (پیش‌بهار و همکاران، ۱۳۹۸؛ یوسفی و همکاران، ۱۳۹۴). این پدیده با کاهش امنیت غذایی، افزایش مهاجرت روستا به شهر و تخلیه روستاها، پیامدهای گسترده‌ای برای توسعه ملی دارد. بهرامیان و کرمی (۱۳۹۷) گزارش کردند که خط فقر مطلق در مناطق روستایی ایران از ۷۱،۷۶۶ ریال در سال ۱۳۷۶ به ۲،۴۲۲،۲۲۰ ریال در سال ۱۳۹۲ افزایش یافته است. این شواهد، ضرورت توجه به عوامل ساختاری فقر روستایی را در راستای سیاست‌گذاری مؤثر برجسته می‌کند.

روستای دهرم از شهرستان سلسله استان لرستان به‌عنوان یک جامعه کشاورزی‌محور، با چالش‌های فقر اقتصادی و محدودیت منابع مواجه است. مشاهدات اولیه در دهرم نشان‌دهنده تمرکز زمین در دست اقلیت، تقسیمات ارثی اراضی و محرومیت زنان از مالکیت است که معیشت خانوارها را شکننده می‌کند. این روستا نمونه‌ای برجسته از چالش‌های فقر روستایی در ایران است. تمرکز زمین در دست تعداد محدودی از خانوارها، قطعات کوچک و پراکنده در میان اکثریت و محرومیت زنان از مالکیت و مشارکت اقتصادی، معیشت خانوارها را تحت فشار قرار داده و نابرابری را تشدید کرده است. پژوهش حاضر با هدف پاسخ به این سؤال اصلی طراحی شده است: چگونه نابرابری مالکیت زمین، خردشدن اراضی و نابرابری جنسیتی به تداوم فقر در روستای دهرم منجر می‌شود؟ به نظر می‌رسد در روستای دهرم، نابرابری مالکیت زمین با محدودکردن دسترسی اکثریت خانوارها به منابع کافی، توانایی آن‌ها برای تولید و کسب درآمد را کاهش دهد. همچنین خردشدن اراضی به‌عنوان نتیجه تقسیمات ارثی، احتمالاً بهره‌وری کشاورزی را کاهش دهد و وابستگی به الگوهای سنتی کشت مانند گندم را تقویت کند. از سوی دیگر، ساختارهای جنسیتی که زنان را از مالکیت و مشارکت اقتصادی محروم می‌کند، ممکن است نیمی از ظرفیت نیروی انسانی این جامعه را بلااستفاده بگذارد و فقر را شدت ببخشد. ضرورت این مطالعه در تحلیل عمیق این عوامل ساختاری در بستر یک جامعه محلی نهفته است تا راهکارهایی عملی و متناسب با شرایط روستای دهرم ارائه شود.

با وجود پژوهش‌های متعدد درباره فقر روستایی در ایران و تأکید بر عوامل نابرابری جنسیتی، تورم، خردشدن اراضی و ابعاد چندبعدی فقر (پیش‌بهار و همکاران، ۱۳۹۸؛ یوسفی و همکاران، ۱۳۹۴؛ صادقلو و همکاران، ۱۳۹۹)، این مطالعات اغلب در سطح ملی انجام شده و کمتر به تحلیل موردی جوامع محلی پرداخته‌اند و ارتباط فقر با مالکیت زمین و فقر در مقیاس محلی همچنان نیازمند کاوش عمیق‌تر است. این شکاف پژوهشی، مطالعه حاضر را متمایز می‌کند؛ زیرا با رویکرد ترکیبی (کمی و کیفی) و تمرکز بر داده‌های محلی، درک جامعی از عوامل فقر ارائه می‌دهد و راهکارهایی عملی برای کاهش آن پیشنهاد می‌کند. ویژگی‌های خاص دهرم، مانند موقعیت سردسیری و اقتصاد کشاورزی‌محور، امکان تعمیم یافته‌ها به سایر مناطق روستایی مشابه را فراهم می‌کند.

۲. پیشینه پژوهش

مطالعات داخلی فقر روستایی در ایران عمدتاً بر عوامل اقتصادی و اجتماعی متمرکز بوده‌اند. نتایج تحقیق پورطاهری و همکاران (۱۳۹۰) نشان می‌دهد که عوامل اقتصادی در مقایسه با عوامل اجتماعی نقش بیشتری در شکل‌گیری فقر در منطقه مطالعه شده دارند. مجموع عوامل اقتصادی در تحلیل روابط، ۵۴/۵ درصد تغییرات و عوامل اجتماعی نیز در مجموع ۱۴/۵ درصد تغییرات شاخص فقر را توجیه می‌کنند. به نظر می‌رسد که در تدوین برنامه‌های مبارزه با فقر روستایی در منطقه مطالعه شده، باید مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی و اجتماعی در نظر گرفته شوند. ذوالفقاری و قانعی یخدان (۱۴۰۲) عوامل فرهنگی نظیر نابرابری جنسیتی و فرهنگ مردسالاری را مانع کارآفرینی و فقرزدایی زنان روستایی می‌دانند. نتایج پژوهش یوسفی و همکاران (۱۳۹۴) نشان داد که سواد، جنسیت، تحصیلات، وضع زناشویی، شغل و سن سرپرست خانوار، منبع تأمین آب آشامیدنی، نحوه دفع فاضلاب، تملک واحد مسکونی، تعداد فرزندان، بار تکفل، تعداد افراد باسواد خانوار، موقعیت جغرافیایی و نوع تابعیت خانوار تأثیر معناداری بر فقر خانوارهای روستایی دارند. آقاجانی و چشمالوس (۱۴۰۰) تأثیر توسعه راه‌های روستایی بر کاهش فقر در ۲۸ استان ایران را طی دوره ۱۳۸۰-۱۳۹۵ بررسی کردند و نشان دادند این توسعه در بلندمدت فقر را کاهش می‌دهد، اما در کوتاه‌مدت اثر محدودی دارد. پیش‌بهار و همکاران (۱۳۹۸) در بررسی شاخص‌های فقر روستایی و عوامل مؤثر بر آن در ایران طی دوره ۱۳۶۵-۱۳۹۴ نشان دادند نرخ تورم، بیکاری و خردشدن اراضی کشاورزی به دلیل قوانین ارث، به‌طور معنی‌داری فقر را افزایش داده‌اند. بهرامیان و کرمی (۱۳۹۷) روند افزایش خط فقر مطلق در مناطق روستایی ایران را از ۷۱،۷۶۶ ریال در سال ۱۳۷۶ به ۲،۴۲۲،۲۲۰ ریال در سال ۱۳۹۲ گزارش کردند. نتایج پژوهش صادقلو و همکاران (۱۳۹۹) نشان می‌دهد که بیشترین اثر تبعیض جنسیتی بر کاهش میزان مشارکت اقتصادی زنان روستایی با میانگین رتبه‌ای ۳/۵۳ است. همچنین نتایج آزمون رگرسیون نشان‌دهنده اهمیت نسبی تبعیض جنسیتی بر مشارکت‌پذیری زنان است.

تحقیقات داخلی بیشتر بر روندهای اقتصادی متمرکز بوده‌اند. از این‌رو بررسی عمیق‌تر عوامل محلی ضرورت بیشتری می‌یابد. مطالعات خارجی دیدگاه‌های مکملی ارائه می‌دهند؛ برای مثال رحمان و احمد^۱ (۲۰۲۳) در بنگلادش نشان دادند توسعه جاده‌ها طی ده سال، فقر را ۱۵ درصد کاهش داده است (رحمان و احمد، ۲۰۲۳: ۸۷). چن و همکاران^۲ (۲۰۲۲) در چین گزارش کردند که خردشدن اراضی، بهره‌وری کشاورزی را تا ۳۰ درصد کاهش می‌دهد و یکپارچه‌سازی اراضی را به‌عنوان راهکار پیشنهاد کردند. آکیتویو و آدسانیا^۳ (۲۰۲۱) در نیجریه دریافتند نابرابری مالکیت زمین و محرومیت زنان از منابع، فقر را تشدید می‌کند. گزارش فائو کوچک‌بودن قطعات زمین (کمتر از ۲ هکتار) و نبود تنوع درآمدی را عوامل شکنندگی معیشت روستاییان دانست.

به‌طور کلی مطالعات داخلی و خارجی، عوامل متعددی مانند خردشدن اراضی، نابرابری درآمدی و زیرساخت‌ها را در فقر روستایی مؤثر دانسته‌اند. با این حال، بیشتر این پژوهش‌ها یا در سطح کلان باقی مانده‌اند (مانند پیش‌بهار و همکاران، ۱۳۹۸؛ یوسفی و همکاران، ۱۳۹۴) یا تنها بر یک جنبه متمرکز شده‌اند (مانند صادقلو و همکاران ۱۳۹۹؛ چن و همکاران، ۲۰۲۲). نابرابری مالکیت زمین، خردشدن اراضی و نابرابری جنسیتی به‌ندرت در مقیاس محلی به‌صورت یکپارچه بررسی شده است. این شکاف، پژوهش حاضر را متمایز می‌کند؛ زیرا با تلفیق این سه عامل و استفاده از داده‌های محلی، درک عمیق‌تری از فقر ارائه می‌دهد. علاوه‌براین، ضعف مطالعات

1. Rahman, M., & Ahmad, S.

2. Chen, X., Wang, Y., & Zhang, L.

3. Akintuyo, O. A., & Adesanya, A.

پیشین در نقد و ارائه راهکارهای عملی، این پژوهش را به سمت پیشنهادهایی متناسب با شرایط روستایی به طور نمونه روستای دهرم سوق داده است.

۳. تأملات نظری و چارچوب مفهومی

فقر روستایی پدیده‌ای چندوجهی است که تحلیل آن در مقیاس محلی نیازمند چارچوبی نظری منسجم است. این پژوهش بر سه مفهوم کلیدی نابرابری مالکیت زمین، خردشدن اراضی، و نابرابری جنسیتی در روستای دهرم متمرکز است.

نابرابری مالکیت زمین: این مفهوم به توزیع ناعادلانه زمین‌های کشاورزی میان خانوارها اشاره دارد؛ به گونه‌ای که بخش عمده زمین در اختیار گروه محدودی قرار می‌گیرد. دینینگر و الینتو^۱ (۲۰۰۰) نابرابری مالکیت را «تمرکز زمین در دست عده‌ای خاص که دسترسی اکثریت به منابع تولیدی را محدود می‌کند» تعریف می‌کنند. فرهنگ اقتصاد کشاورزی (بلک، ۲۰۰۳) نابرابری زمین را «اختلاف در دسترسی به زمین که نابرابری اقتصادی را تشدید می‌کند» می‌داند. در ایران، پیش‌بهار و همکاران (۱۳۹۸) نشان داده‌اند این نابرابری تولید و درآمد خانوارهای روستایی را کاهش می‌دهد.

خردشدن اراضی: خردشدن اراضی به تقسیم زمین‌های کشاورزی به قطعات کوچک و غیراقتصادی به دلیل عواملی مانند قوانین ارث یا فروش اشاره دارد. فائو (۲۰۲۰) خردشدن اراضی را «فرایندی که زمین‌ها به واحدهای کوچک‌تر تقسیم شده و بهره‌وری را کاهش می‌دهند» تعریف می‌کند. فرهنگ جغرافیای انسانی (جانسون و همکاران، ۲۰۰۰) نیز این پدیده را «کاهش اندازه قطعات زمین به حدی که کشت اقتصادی را غیرممکن می‌سازد» می‌داند. چن و همکاران (۲۰۲۲) گزارش کردند که خردشدن اراضی در چین بهره‌وری کشاورزی را تا ۳۰ درصد کاهش داده است.

نابرابری جنسیتی: این مفهوم به تفاوت‌های ناعادلانه در دسترسی زنان و مردان به منابع، فرصت‌ها و تصمیم‌گیری اشاره دارد. کبیر^۲ (۱۹۹۹) نابرابری جنسیتی را «محرومیت زنان از دسترسی برابر به منابع اقتصادی و اجتماعی» تعریف می‌کند. فرهنگ مطالعات جنسیتی (پیچر و ولهان، ۲۰۰۴) نابرابری جنسیتی را «ساختارهایی که زنان را در مقایسه با مردان از حقوق و فرصت‌ها محروم می‌کنند» می‌داند. آکینتویو و آدسانیا (۲۰۲۱) نشان دادند محرومیت زنان از مالکیت زمین در نیجریه فقر خانوارها را عمیق‌تر می‌کند.

در تحلیل نابرابری مالکیت زمین، از دو دیدگاه نظری بهره گرفته می‌شود؛ نظریه نابرابری اقتصادی کوزتس (۱۹۵۵) که استدلال می‌کند نابرابری در توزیع منابع مانند زمین در مراحل اولیه توسعه اقتصادی افزایش می‌یابد، اما با رشد اقتصادی کاهش می‌یابد. این دیدگاه برای جوامع در حال گذار مناسب است، ولی در روستای دهرم که اقتصاد کشاورزی محور و ایستا دارد، توانایی توضیح نابرابری پایدار را ندارد. در مقابل، نظریه فقر چندبعدی الکایر و فوستر^۳ (۲۰۱۱) فقر را نتیجه محرومیت‌های چندگانه (درآمد، آموزش، سلامت) می‌داند که نابرابری در منابع مانند زمین آن را تشدید می‌کند. این نظریه به دلیل تأکید بر تعامل محرومیت‌ها و انطباق با شرایط محلی جامعه مورد مطالعه انتخاب شد؛ زیرا نابرابری زمین نه تنها درآمد، بلکه دسترسی به زیرساخت‌ها و خدمات را محدود می‌کند.

درمورد خردشدن اراضی، طبق نظریه اقتصاد کشاورزی سنتی لیپتون^۴ (۱۹۷۷) خردشدن اراضی نتیجه فشار جمعیتی و قوانین ارث است که بهره‌وری را کاهش می‌دهد. این دیدگاه علل خردشدن را به خوبی توضیح می‌دهد، اما راهکارهای عملی برای جوامع محلی

1. Deininger, K. & Olinto, P.

2. Kabeer

3. Alkire, S., & Foster, J.

4. Lipton

ارائه نمی‌کند. نظریه وابستگی منابع فرویدنبورگ^۱ (۱۹۹۲) بیان می‌کند که منابع طبیعی محدود است و توزیع نابرابر آن‌ها، جوامع روستایی را شکننده می‌کند. این نظریه به دلیل انطباق با شرایط روستای دهرم، که قطعات کوچک هزینه‌های تولید را افزایش داده و معیشت را ناپایدار کرده‌اند، انتخاب شد. نظریه فرویدنبورگ بر لیپتون ارجحیت دارد؛ زیرا چارچوبی برای تحلیل شکنندگی اقتصادی ناشی از خردشدن اراضی فراهم می‌کند و امکان ارائه راهکارهای سیاستی را می‌دهد.

برای نابرابری جنسیتی، نظریه فمینیسم لیبرال والبی^۲ (۱۹۹۰) بر برابری قانونی و دسترسی برابر زنان به منابع تأکید دارد. این دیدگاه برای جوامع شهری که اصلاحات قانونی امکان‌پذیر است مناسب است، اما در روستای دهرم که مردسالاری غالب است، کاربرد محدودی دارد. نظریه توانمندسازی جنسیتی کبیر (۱۹۹۹) نابرابری جنسیتی را مانعی برای توسعه می‌داند و بر توانمندسازی زنان از طریق دسترسی به منابع تأکید دارد. این نظریه به دلیل انطباق با شرایط روستای دهرم، که در آن محرومیت زنان از مالکیت زمین فقر را تشدید کرده، انتخاب شد. نظریه کبیر بر فمینیسم لیبرال ارجحیت دارد؛ زیرا راهکارهایی عملی برای توانمندسازی زنان در بستر محلی ارائه می‌دهد.

چارچوب مفهومی این پژوهش تعامل سیستمی نابرابری در مالکیت زمین، خردشدن اراضی و نابرابری جنسیتی را در تداوم فقر در روستای دهرم ترسیم می‌کند. براساس نظریه فقر چندبعدی، نابرابری مالکیت زمین با تمرکز منابع در دست طبقه بالا، دسترسی اکثریت به منابع را محدود و محرومیت‌های درآمدی و زیرساختی را تشدید می‌کند. نظریه وابستگی منابع نشان می‌دهد خردشدن اراضی به قطعات کوچک، بهره‌وری را کاهش و هزینه‌های تولید را افزایش می‌دهد. نظریه توانمندسازی جنسیتی توضیح می‌دهد که محرومیت زنان از مالکیت و تصمیم‌گیری، مشارکت نیمی از جمعیت را محدود می‌کند و ظرفیت خانوارها را برای بهبود معیشت کاهش می‌دهد. این متغیرها به صورت سیستمی عمل می‌کنند. نابرابری مالکیت زمین دسترسی به منابع را محدود می‌کند، خردشدن اراضی تولید را در این منابع ناکافی غیراقتصادی می‌کند و نابرابری جنسیتی امکان جبران این محدودیت‌ها را از طریق مشارکت زنان سلب می‌کند و درنهایت این چرخه فقر را نهادینه می‌کند.

بهره‌گیری از نظریه‌های فقر چندبعدی، وابستگی منابع و توانمندسازی جنسیتی به این پژوهش امکان می‌دهد تا فقر روستایی را به صورت جامع تحلیل کند. نظریه الکایر و فوستر تعامل نابرابری زمین با سایر محرومیت‌ها را روشن می‌کند، نظریه فرویدنبورگ شکنندگی ناشی از خردشدن اراضی را توضیح می‌دهد و نظریه کبیر راهکارهایی برای رفع نابرابری جنسیتی ارائه می‌دهد. این دیدگاه‌ها با شرایط محلی روستای دهرم سازگارند و برخلاف نظریه‌های کوزنتس، لیپتون و والبی که بر مراحل توسعه، علل توصیفی و اصلاحات قانونی متمرکزند، چارچوبی عملی برای تحلیل و ارائه راهکارهای سیاستی مانند یکپارچه‌سازی اراضی و توانمندسازی زنان فراهم می‌کنند.

۴. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با رویکرد ترکیبی (کمی و کیفی) به بررسی عوامل ساختاری فقر در روستای دهرم از شهرستان سلسله می‌پردازد.

۴-۱. بخش کمی: پیمایش

جامعه آماری شامل تمامی ۴۸ خانوار ساکن دهرم است که معیشت آن‌ها به طور مستقیم به کشاورزی وابسته است. این تعداد براساس سرشماری محلی و تأیید دهیاری روستا در سال ۱۴۰۳ تعیین شد و به دلیل کوچک بودن جامعه، کل خانوارها بدون نمونه‌گیری بررسی

1. Freudenburg, W. R.

2. Sylvia Walby

شدند. با توجه به تمام‌شماری جامعه آماری (۴۸ خانوار در روستای دهرم)، از تحلیل‌های توصیفی برای بررسی داده‌های کمی استفاده شد. آزمون‌های استنباطی استفاده نشد؛ زیرا هدف توصیف روابط بین متغیرها در چارچوب این روستا بود و نه تعمیم نتایج. داده‌های پژوهش از طریق پرسشنامه ساختاریافته شامل سؤالاتی درباره مساحت زمین آبی (هکتار)، تعداد قطعات زمین، نوع محصول کشت‌شده، درآمد خالص ماهانه از کشاورزی (تومان)، هزینه‌های تولید (تومان) و تعداد اعضای خانوار گردآوری شد. پرسشنامه ابتدا در یک پیش‌آزمون با ده خانوار آزمایش شد. روایی محتوایی آن توسط سه کارشناس (اقتصاد کشاورزی، آمار، و جامعه‌شناسی روستایی) و پایایی آن با آلفای کرونباخ $0/82$ (بالتر از حد قابل قبول $0/7$) تأیید شد.

جدول ۱. آلفای کرونباخ

متغیرها	مساحت زمین آبی	تعداد قطعات زمین	نوع محصول کشت‌شده	درآمد خالص ماهانه	هزینه‌های تولید (تومان)
آلفای کرونباخ	$0/72$	$0/78$	$0/74$	$0/79$	$0/76$

داده‌ها در نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ تجزیه و تحلیل شدند. از آماره‌های توصیفی و استنباطی برای توصیف توزیع زمین، درآمد و تعداد قطعات استفاده شد.

۴-۲. بخش کیفی: مطالعه موردی

جامعه مورد مطالعه شامل کشاورزان، زنان فعال در کشاورزی و افراد کلیدی (معتمدان) روستای دهرم بود. نمونه‌گیری ابتدا به روش هدفمند انجام شد. افرادی که تجربه زیسته مرتبط با نابرابری زمین، خردشدن اراضی، یا نابرابری جنسیتی داشتند، از طریق معیارهای تنوع جنسیت، سن و وضعیت مالکیت انتخاب شدند تا داده‌های غنی و متنوعی جمع‌آوری و اشباع نظری حاصل شود. معیارهای انتخاب شامل حداقل ۵۰ درصد زنان (برای بررسی نابرابری جنسیتی)، دامنه سنی گسترده (بالای ۲۵ سال، برای تحلیل مهاجرت و تجربه تاریخی) و تنوع مالکیت (مالکان بزرگ، خرده‌مالکان و بدون زمین) بود. تعداد مشارکت‌کنندگان ۱۵ نفر تعیین شد که تا رسیدن به اشباع نظری (عدم ظهور مضمون جدید) ادامه یافت.

جدول ۲. ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان در بخش کیفی پژوهش

کد	جنس	سال	تحصیلات	وضعیت مالکیت	هکتار	تعداد قطعه	تعداد اعضای خانوار
۱	مرد	۵۸	ابتدایی	مالک	$1/5$	۲	۴
۲	زن	۵۵	بی‌سواد	بدون مالکیت	-	-	۴
۳	زن	۴۲	راهنمایی	بدون مالکیت	-	-	۴
۴	مرد	۴۰	دیپلم	مالک	۲	۲	۵
۵	زن	۲۹	لیسانس	بدون مالکیت	-	-	۴
۶	زن	۳۸	دیپلم	مالک	۱	۲	۴
۷	مرد	۵۲	راهنمایی	مالک	۱۶	۱۲	۹
۸	مرد	۵۷	راهنمایی	مالک	۱	۳	۷
۹	مرد	۶۰	ابتدایی	مالک	۳	۵	۹
۱۰	مرد	۶۵	بی‌سواد	مالک	۱۲	۱۳	۱۰

کد	جنس	سال	تحصیلات	وضعیت مالکیت	هکتار	تعداد قطعه	تعداد اعضای خانوار
۱۱	زن	۳۱	دیپلم	بدون مالکیت	-	-	۴
۱۲	زن	۴۶	بی سواد	مالک	۱	۲	۴
۱۳	زن	۲۷	فوق دیپلم	مالک	کمتر از ۱	۲	۴
۱۴	زن	۷۱	بی سواد	مالک	۱	۲	۴
۱۵	مرد	۵۲	راهنمایی	مالک	کمتر از ۱	۲	۵

مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با سؤالات باز انجام شد، از جمله: ۱. تغییرات مالکیت زمین چه تأثیری بر معیشت شما داشته است؟ ۲. زنان چه نقشی در مالکیت و کشاورزی دارند؟ ۳. چرا برخی از اهالی روستا را ترک کرده‌اند؟ مصاحبه‌ها با رضایت مشارکت‌کنندگان ضبط و مکتوب شدند (میانگین مدت: ۴۰ دقیقه). همچنین مشاهدات میدانی از فعالیت‌های کشاورزی (کاشت و برداشت) برای ثبت تعاملات جنسیتی و رفتارها انجام گرفت و یادداشت‌های روزانه تهیه شد.

تحلیل مضمون براساس رویکرد کلارک و براون (۲۰۰۶) انجام گرفت. مراحل عبارت بودند از: ۱. مطالعه مکرر داده‌ها؛ ۲. کدگذاری اولیه (استخراج کدها بدون پیش‌فرض)؛ ۳. گروه‌بندی کدها به مضامین؛ و ۴. بازبینی و نام‌گذاری مضامین. تحلیل با نرم‌افزار NVivo انجام گرفت و توافق بین کدگذار با ضریب کاپا ۰/۸۸ تأیید شد. همچنین اعتبار داده‌ها از طریق تثلیث (مقایسه مصاحبه‌ها، مشاهدات و اسناد ثانویه) و تأیید مضامین توسط مشارکت‌کنندگان تأمین شد. شفافیت با ثبت دقیق مراحل در دفترچه پژوهشگر حفظ شد. همچنین اسناد رسمی جهاد کشاورزی شهرستان سلسله برای تأیید داده‌های مالکیت و تولید استفاده شد. این اسناد شامل آمار زمین‌های کشاورزی و محصولات غالب بود که از دفاتر محلی در دسترس قرار گرفت.

۵. یافته‌های پژوهش

این پژوهش با رویکرد ترکیبی (کمی و کیفی) به بررسی تأثیر نابرابری در مالکیت زمین، خردشدن اراضی و نابرابری جنسیتی بر تداوم فقر در روستای دهرم از شهرستان سلسله می‌پردازد. داده‌های کمی از طریق پرسشنامه‌های ساختاریافته و داده‌های کیفی از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و مشاهدات میدانی جمع‌آوری شده‌اند. یافته‌ها در سه محور اصلی ارائه می‌شود: نابرابری در مالکیت زمین، خردشدن اراضی و نابرابری جنسیتی. هر محور شامل توصیف داده‌های کمی، تحلیل روابط متغیرها و مضامین کیفی است که به‌صورت یکپارچه تعامل سیستمی این عوامل در نهاده‌سازی فقر در روستای دهرم را نشان می‌دهد.

۵-۱. نابرابری مالکیت زمین

نابرابری در مالکیت زمین به‌عنوان ریشه اصلی فقر در دهرم، ناشی از تمرکز شدید منابع کشاورزی در دست تعداد معدودی خانوار است. این توزیع نابرابر، اکثریت خانوارها را از دسترسی به زمین‌های کافی برای تولید کشاورزی محروم کرده و آن‌ها را در چرخه فقر گرفتار ساخته است. این وضعیت نه‌تنها درآمد خانوارها را کاهش داده، بلکه امکان سرمایه‌گذاری در فناوری‌های کشاورزی و تنوع‌بخشی به محصولات را نیز محدود کرده است.

جدول ۳. توزیع زمین و تعداد قطعات در طبقات مختلف

طبقه	درصد خانوارها	میزان زمین (هکتار)	درصد زمین	میانگین مالکیت (هکتار)	میانگین تعداد قطعات
زیاد	۰/۳۵	۱۵۳/۵۴	۶۶/۶۰	۹/۰۳	۱/۶
نسبتاً زیاد	۰/۱۵	۲۸	۱۲/۲۰	۴	۱/۸
متوسط	۰/۱۹	۲۴/۵۱	۱۰/۷	۲/۷۲	۲/۵
نسبتاً کم	۰/۲۱	۲۰/۱۶	۸/۸	۲/۰۲	۳
اندک	۰/۱۰	۴/۲۰	۱/۹	۰/۸۴	۲/۵
مجموع	۰/۱۰۰	۲۳۰/۴۱	۰/۱۰۰	-	-

داده‌های کمی نشان‌دهنده تمرکز شدید زمین در دست خانوارهای طبقه بالا هستند که شکاف درآمدی قابل توجهی ایجاد کرده است. طبقه بالا با کنترل بخش عمده زمین، از درآمدهای بالای کشاورزی بهره‌مند می‌شود؛ درحالی که طبقات پایین با زمین‌های محدود در تنگنای اقتصادی قرار دارند. این نابرابری، دسترسی به منابع آب، زیرساخت‌های کشاورزی و فناوری‌های نوین را برای اکثریت غیرممکن ساخته است.

تحلیل رگرسیون مالکیت زمین و شکاف درآمدی: نتایج رگرسیون نشان می‌دهد افزایش مالکیت زمین به‌طور معناداری درآمد خانوارها را بهبود می‌بخشد. در مقابل نابرابری در مالکیت زمین، با محدود کردن منابع تولیدی اکثریت، فقر را تداوم می‌بخشد. اکثریت خانوارهای طبقات متوسط و پایین، به دلیل مالکیت زمین محدود، درآمدی زیر خط فقر دارند که معیشت آن‌ها را شکننده می‌کند.

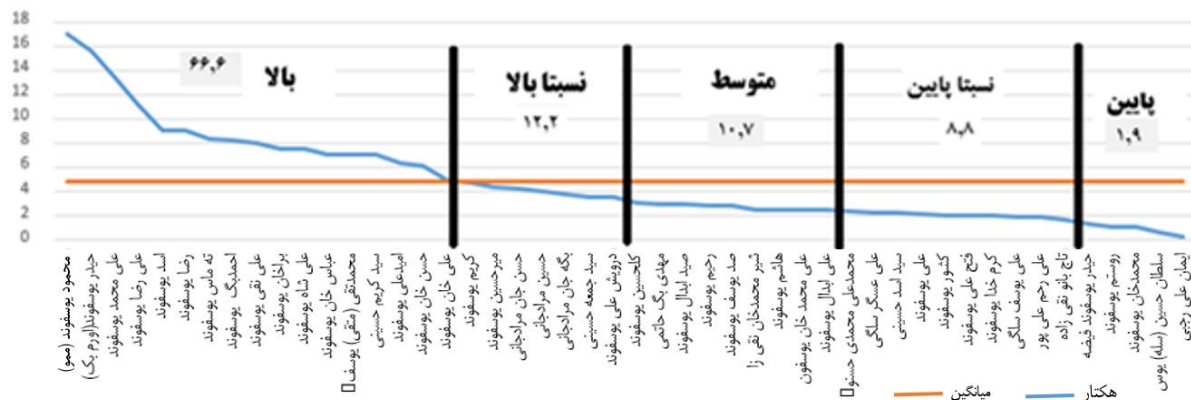
جدول ۴. مالکیت زمین و شکاف درآمدی

طبقه	میزان هکتار	درآمد از گندم	درآمد از لوبیا	درآمد از جو	درآمد از چغندر	درآمد از باقلا	شکاف نسبت به بالا
زیاد	۱۵۳/۵۴	زیاد	خیلی زیاد	زیاد	خیلی زیاد	متوسط	صفر
نسبتاً زیاد	۲۸	متوسط	زیاد	متوسط	زیاد	کم	۸۱/۸
متوسط	۲۴/۵۱	متوسط	متوسط	متوسط	متوسط	کم	۸۴/۰
نسبتاً کم	۲۰/۱۶	کم	متوسط	کم	متوسط	کم	۸۶/۹
کم	۴/۲۰	خیلی کم	کم	خیلی کم	کم	خیلی کم	۹۷/۳

تحلیل آماری شکاف درآمدی بین طبقات بالا و پایین را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد نسبت هزینه به درآمد در طبقات پایین فشار اقتصادی شدیدی بر خرده‌مالکان وارد می‌کند و خانوارها را به سمت وابستگی به کشت سنتی و محصولات کم‌بازده مانند گندم سوق می‌دهد. تحلیل رگرسیون، تأثیر مستقیم مالکیت زمین بر درآمد را بررسی می‌کند. زمین کم یعنی فقر. محصول هم فقط کمی نوسانش را کم و زیاد می‌کند، اما هرگز شکاف فقر را پر نمی‌کند.

جدول ۵. درآمد و هزینه خانوارها براساس میزان مالکیت زمین

طبقه	درآمد ماهانه (میلیون تومان)	نسبت هزینه به درآمد	وضعیت فقر
زیاد (بیش از ۹ هکتار)	۱۵/۳۸	۲۷/۹	بالای خط فقر
نسبتاً زیاد (۴ هکتار)	۹/۵	۳۱/۷	نزدیک خط فقر
متوسط (کمتر از ۴ هکتار)	۷/۵	۳۵/۰	زیر خط فقر
متوسط (کمتر از ۳ هکتار)	۷/۵	۳۸/۵	زیر خط فقر
کم (کمتر از ۱ هکتار)	۱/۴۳	۵۷/۹	زیر خط فقر
نتایج رگرسیون تأثیر قطعات بر درآمد	مقدار β	مقدار R Square	مقدار F
مقادیر آماره‌ها	-۰/۹۲۶	۰/۸۵۷	۱۸/۰۲۱
		مقدار t	سطح معنی‌داری
		-۴/۲۵۴	۰/۰۲۴



شکل ۱. وضعیت مالکیت کشاورزان به هکتار (روستای دهرم)

داده‌های کمی نشان می‌دهند خانوارهای با زمین کمتر از ۴ هکتار درآمدی ناکافی برای تأمین نیازهای اولیه دارند. این وضعیت همراه با هزینه‌های بالای زندگی، خانوارها را در فقر اقتصادی نگه داشته است. یافته‌های کیفی این محرومیت را با جزئیات بیشتری روشن می‌کند. به بیان یکی از مشارکت‌کنندگان: «زمینمون اون‌قدر کمه که فقط گندم می‌کاریم، ولی خرج زندگی رو نمی‌ده.» مضمون محدودیت زمین و معیشت تجربه‌های زیسته خانوارها را در مواجهه با کمبود زمین نشان می‌دهد. مشارکت‌کنندگان بارها به ناکافی بودن زمین برای تأمین نیازهایشان اشاره کردند. تمرکز زمین در دست طبقه بالا، امکان استفاده از فناوری‌های مدرن مانند آبیاری قطره‌ای را برای اکثریت ناممکن ساخته و وابستگی به کشت سنتی را تقویت کرده است. این وابستگی، همراه با هزینه‌های بالای زندگی، خانوارها را در چرخه‌ای از درآمد پایین و فشار اقتصادی گرفتار کرده است.

نابرابری زمین همچنین دسترسی به منابع آب و زیرساخت‌های کشاورزی را محدود کرده است. خانوارهای خرده‌مالک که اغلب زمین‌هایشان در مناطق کم‌آب قرار دارد، نمی‌توانند محصولات متنوع و پربازده بکارند. یکی از مشارکت‌کنندگان بیان کرد: «گه زمین بیشتر داشتیم، سبزی یا لوبیا می‌کاشتیم، ولی حالا فقط گندم می‌کارم که چیزی عاید نمی‌شه.» این محدودیت‌ها همراه با نابرابری در دسترسی به منابع، فقر را در روستای دهرم نهادینه کرده است. علاوه‌براین، تمرکز زمین در دست طبقه بالا، قدرت چانه‌زنی خرده‌مالکان را در بازارهای محلی کاهش می‌دهد و آن‌ها را به فروش محصولات با قیمت‌های پایین وادار می‌کند. در نتیجه شکاف طبقاتی عمیق‌تر و امکان خروج از فقر را برای بیشتر خانوارها دشوار می‌شود.

۵-۲. خردشدن اراضی

خردشدن اراضی، ناشی از تقسیمات ارثی، بهره‌وری کشاورزی در روستای دهرم کاهش داده و معیشت خانوارها را شکننده کرده است. زمین‌های طبقات متوسط و پایین به قطعات کوچک و پراکنده تقسیم شده‌اند که مدیریت آن‌ها پرهزینه و غیراقتصادی است. این وضعیت، خانوارها را به کشت محصولات کم‌بازده و سنتی وابسته کرده و امکان استفاده از فناوری‌های مدرن را از آن‌ها سلب کرده است. داده‌های کمی (جدول ۲) نشان‌دهنده افزایش تعداد قطعات زمین در طبقات پایین هستند که بهره‌وری را کاهش داده است. خانوارهای طبقات متوسط و پایین با میانگین قطعات بیشتر، هزینه‌های بیشتری برای مدیریت زمین‌های پراکنده متحمل می‌شوند. تحلیل آماری این رابطه را تأیید می‌کند. نتایج تحلیل رگرسیون ($p < 0.05$; $\beta = 0.926$) در جدول ۵ نشان می‌دهد افزایش تعداد قطعات زمین با کاهش درآمد به ازای هر هکتار رابطه دارد. این کاهش ناشی از هزینه‌های فراوان مدیریت (مانند حمل‌ونقل، آبیاری و نیروی کار) و نبود دسترسی به ماشین‌آلات مدرن است. خانوارهای خرده‌مالک نمی‌توانند قطعات پراکنده را یکپارچه کنند؛ زیرا منابع مالی لازم را ندارند. بیشتر خانوارهای طبقات متوسط و پایین به دلیل قطعات کوچک (جدول ۴)، درآمدی زیر خط فقر دارند که حتی با کشت محصولات پربازده‌تر مانند لوبیا جبران نمی‌شود؛ بنابراین خانوارها درگیر فقر اقتصادی می‌شوند و امکان سرمایه‌گذاری در کشاورزی از آن‌ها سلب می‌شود. یافته‌های کیفی این شکنندگی را با جزئیات بیشتری نشان می‌دهند. یکی از مشارکت‌کنندگان اظهار کرد: «زمینمون تیکه‌تیکه شده، نمی‌شه باهاش کاری کرد. نه ماشین می‌تونم بیارم، نه آبیاری درست می‌شه.»

مضمون تکه‌تکه شدن زمین مشکلات مدیریت قطعات کوچک را برجسته می‌کند. مشارکت‌کنندگان به هزینه‌های سنگین مدیریت قطعات پراکنده و ناتوانی در استفاده از فناوری‌های مدرن اشاره کردند. کمبود آب نیز تنوع کشت را محدود کرده است: «آب نیست که چیزی جز گندم بکارم، وگرنه شاید وضعم بهتر می‌شد.»

وابستگی به گندم، با ارزش اقتصادی اندک، آسیب‌پذیری خانوارها را افزایش داده و آن‌ها را در چرخه فقر گرفتار کرده است. خردشدن اراضی نه تنها بهره‌وری را کاهش داده، بلکه روابط اجتماعی و اقتصادی را نیز تحت تأثیر قرار داده است. خانوارهای خرده‌مالک، به دلیل ناتوانی در مدیریت قطعات پراکنده، اغلب به فروش زمین‌هایشان به مالکان بزرگ‌تر روی می‌آورند و این امر نابرابری مالکیت زمین را تشدید می‌کند: «هر سال زمینمون کوچیک‌تر می‌شه. مجبور شدم یه تیکه‌شو بفروشم، حالا وضعم بدتر شده.» علاوه‌براین، خردشدن اراضی، همکاری‌های محلی مانند اشتراک آب یا ماشین‌آلات را دشوار کرده و انزوای اقتصادی خانوارها را افزایش داده است.

۵-۳. نابرابری جنسیتی

نابرابری جنسیتی با محروم کردن زنان از مالکیت زمین و مشارکت در تصمیم‌گیری، ظرفیت اقتصادی خانوارها را محدود کرده است. زنان، علی‌رغم نقش فعال در کشاورزی، معمولاً مالک زمین نیستند و در تصمیم‌گیری‌ها دخیل نمی‌شوند. این محرومیت، توان خانوارها برای جبران محدودیت‌های ناشی از نابرابری زمین و خردشدن اراضی را کاهش داده است. مضمون تبعیض جنسیتی (جدول ۶) در منابع نشان‌دهنده محرومیت زنان از مالکیت و کنترل زمین است: «همه چیز به اسم مردهاست. من صبح تا شب کار می‌کنم، ولی هیچی به اسم نیست.»

محرومیت از مالکیت، زنان را به نیروی کار بدون اختیار تبدیل کرده است. زیرمضمون‌های نبود مالکیت زنان و کنترل مردان بر زمین، تجربه‌های زیسته زنان را در مواجهه با این تبعیض نشان می‌دهند. یکی از زنان اظهار داشت: «شوهرم فوت کرد، زمین‌ها رو برادرهایش گرفتن. من هیچ حقی ندارم.»

۵-۴. مضامین کیفی

از مجموع مصاحبه‌ها با ۱۵ مشارکت‌کننده، ۲۹۰ کد اولیه استخراج شد که این تعداد زیاد نسبت به تعداد نمونه و میانگین مدت مصاحبه‌ها، نشان‌دهنده پوشش جامع تجربه‌های زیسته مشارکت‌کنندگان است. تنوع پاسخ‌ها، استفاده از سؤالات باز و توجه به جزئیات غیرکلامی (مانند تن صدا و حرکات دست) که در یادداشت‌های میدانی ثبت شدند، به این غنای داده‌ها کمک کرده است. فرایند کدگذاری در سه مرحله (گروه‌بندی، بازبینی و نام‌گذاری) انجام شد. کدها به سه مضمون اصلی تقسیم شدند که در ادامه به صورت تفصیلی تحلیل می‌شوند: «محدودیت زمین و معیشت»، «تبعیض جنسیتی در منابع» و «فشارهای اجتماعی فقر».

جدول ۶. مضامین و زیرمضامین

تعداد کدها و درصد آن	نمونه کدها	نقل قول نمونه	تحلیل و توضیحات
		مضمون ۱: محدودیت زمین و معیشت	
۵۸ (۰/۲۰)	زمینمون تکه‌تکه شده، زمین پدری صد تیکه شد، ارث زمین رو کوچیک کرد، زمین چند تیکه شده	کد ۷ (مرد، ۴۸): زمینمون تکه‌تکه شده، یه تیکه‌اش به من رسید که کاری باهاش نمی‌شه کرد.	تقسیم ارثی زمین‌ها را به قطعات غیراقتصادی تبدیل کرده و بهره‌وری را کم کرده است.
۴۷ (۱۶/۲)	درآمد گندم خرج رو نمی‌ده، با یه هکتار نمی‌شه زندگی کرد، پول زمین کمه	کد ۲ (زن، ۳۵): درآمد گندم خرج رو نمی‌ده، هر سال بدتر می‌شه.	زمین‌های کوچک درآمد کافی برای معیشت ندارند و فقر را تداوم می‌بخشند.
۳۰ (۱۰/۴)	فقط گندم می‌کاریم، چیز دیگه نمی‌شه کاشت، آب برای تنوع نیست، گندم درمی‌آد فقط	د ۱۱ (مرد، ۴۰): فقط گندم می‌کاریم، آب نیست که چیز دیگه بکارم.	محدودیت منابع، تنوع کشت را از بین برده و درآمد را پایین نگه داشته است.
۱۳۵ (۴۶/۶)		مضمون ۲: تبعیض جنسیتی در منابع	
		مجموع کدها و درصد	

تعداد کدها و درصد آن	نمونه کدها	نقل قول نمونه	تحلیل و توضیحات
۵۰ (۱۷/۲)	زن جماعت زمین نداره، زمین به اسم مردهاست، زن‌ها حق ندارن، مالکیت مال مردهاست	کد ۵ (زن، ۴۲): زن جماعت که زمین نداره، همه چیز به اسم مردهاست.	زنان به دلیل سنت‌ها از مالکیت محروم‌اند و این فقر خانوار را عمیق‌تر می‌کند.
۴۰ (۱۳/۸)	مردها تصمیم می‌گیرن، زن‌ها کاری نمی‌کنن، زمین رو مردها می‌کارن، زن حق نظر نداره	کد ۱۴ (زن، ۲۹): مردها تصمیم می‌گیرن چی بکارن، من فقط کار می‌کنم.	قدرت مردان در تصمیم‌گیری، مشارکت زنان را محدود کرده است.
۹۰ (۳۱/۰)	مضمون ۳: فشارهای اجتماعی فقر		
۳۸ (۱۳/۱)	جوون‌هامون رفتن شهر، پسرم کارگری می‌کنه، اینجا کاری نیست، بچه‌ها رفتن دنبال کار	کد ۹ (مرد، ۵۵): جوونامون رفتن شهر دنبال کار، اینجا چیزی براشون نیست.	مهاجرت جوانان به دلیل نبود فرصت، روستا را خالی کرده است.
۲۷ (۹/۳)	دیگه امیدی نیست، زندگی سخت شده، اینجا آینده نداره، همه چیز تموم شده	کد ۴ (زن، ۳۷): دیگه امیدی نیست. با این زمین‌ها نمی‌شه زندگی کرد.	فقر حس ناامیدی را در میان ساکنان تقویت کرده است.

محدودیت زمین و معیشت: این مضمون با ۱۳۵ کد و سهم ۴۶/۶ درصد، مهم‌ترین چالش شناسایی شده توسط مشارکت‌کنندگان را تشکیل می‌دهد و نشان‌دهنده تأثیر مستقیم محدودیت زمین بر کاهش توانایی خانوارهای دهرم در تأمین معیشت است. این مضمون شامل سه زیرمضمون است:

تکه‌تکه شدن زمین: نقل قول نمونه از مشارکت‌کننده کد ۷ (مرد، ۵۲ ساله، مالک ۱۶ هکتار در ۱۲ قطعه) چنین است: «*زمینمون تیکه‌تیکه شده. از وقتی ارث پدرم بین ما برادرها و خواهرها تقسیم شد، یه تیکه کوچیک به من رسید که دیگه نمی‌شه باهاش کاری کرد، نه می‌صرفه بکارم نه می‌تونم بفروشمش.*» این گفته نشان‌دهنده تقسیم ارثی زمین‌ها به قطعاتی کوچک و غیراقتصادی است که در اظهارات ۹ نفر از ۱۵ مشارکت‌کننده تکرار شده و به عنوان مشکل اصلی مطرح شده است. درواقع تقسیم‌بندی ارثی، بهره‌وری کشاورزی را به شدت کاهش داده و زمین‌ها را به ابعادی رسانده که برای کشت اقتصادی کافی نیستند.

درآمد کم: مشارکت‌کننده کد ۲ (زن، ۵۵ ساله، بدون مالکیت) اظهار می‌دارد: «*درآمد گندم خرج رو نمی‌ده، هر سال بدتر می‌شه. یه زمانی با همین زمین‌ها می‌شد یه زندگی ساده رو چرخوند، ولی حالا دیگه نه خوراک بچه‌هامون رو می‌ده، نه می‌تونیم چیزی پس‌انداز کنیم.*» این نقل قول ناتوانی زمین‌های کوچک در تأمین نیازهای معیشتی را نشان می‌دهد و در سخنان ۸ نفر تکرار شده و با داده‌های کمی (درآمد متوسط ماهانه ۱/۷ میلیون تومان از گندم) هم‌راستا است. به عبارتی درآمد حاصل از زمین‌های کوچک نمی‌تواند هزینه‌های زندگی را پوشش دهد و فقر را در خانوارها تداوم می‌بخشد. تشدید این وضعیت در سال‌های اخیر، احتمالاً به کاهش قیمت محصولات یا افزایش هزینه‌های زندگی مربوط است.

کشت محدود به گندم: مشارکت‌کننده کد ۴ (مرد، ۴۰ ساله، مالک ۲ هکتار در ۲ قطعه) می‌گوید: «*فقط گندم می‌کاریم، آب نیست که چیز دیگه بکارم. یه وقت‌هایی فکر می‌کنم اگه سبزی یا یه محصول دیگه می‌تونستم بکارم شاید یه کم وضعم بهتر می‌شد، ولی نه زمینش هست، نه آبش.*» این گفته وابستگی به یک محصول به دلیل کمبود منابع آب و زمین را نشان می‌دهد و در اظهارات ۶ نفر تکرار شده است. تحلیل این زیرمضمون نشان می‌دهد محدودیت منابع طبیعی، به‌ویژه آب، امکان تنوع کشت را از بین برده و درآمد

خانوارها را به محصولی با ارزش اقتصادی پایین (گندم) محدود کرده است. این وابستگی، آسیب‌پذیری اقتصادی را افزایش داده و مانع بهبود معیشت شده است.

مضمون «محدودیت زمین و معیشت» با سهم ۴۶/۶ درصد از کدها، بیشترین وزن را در میان مضامین دارد؛ زیرا به‌طور مستقیم با ناکافی‌بودن منابع و تولید برای تأمین معیشت مرتبط است. این وضعیت در روستای دهرم به‌دلیل نبود تنوع درآمدی، مانند صنایع‌دستی یا مشاغل غیرکشاورزی، شدیدتر از دیگر جوامع روستایی ایران است. تکه‌تکه‌شدن زمین به‌عنوان هسته اصلی این مضمون، درآمد کم و محدودیت کشت را تشدید می‌کند و چرخه‌ای از فقر اقتصادی پدید می‌آورد.

تبعیض جنسیتی در منابع: این مضمون با ۹۰ کد و سهم ۳۱/۰ درصد، تأثیر ساختارهای جنسیتی بر دسترسی به منابع و تشدید فقر در دهرم را نشان می‌دهد. این مضمون از دو زیرمضمون تشکیل شده که نابرابری جنسیتی را در مالکیت و مدیریت زمین برجسته می‌کند:

نبود مالکیت زنان: مشارکت‌کننده کد ۳ (زن، ۴۲ ساله، بدون مالکیت) اظهار می‌دارد: «زن جماعت که زمین نداره، همه‌چیز به اسم مردهاست. از وقتی شوهرم فوت کرد، زمین‌ها رو برادرهایش گرفتن و من هیچ حقی ندارم. حالا با چهار تا بچه نمی‌دونم چطور زندگی‌مون رو بچرخونم.» این گفته محرومیت زنان از مالکیت زمین به‌دلیل سنت‌های محلی را نشان می‌دهد و در اظهارات ۷ نفر (۵ زن و ۲ مرد) تکرار شده است. درواقع فرهنگ مردسالارانه، زنان را از حقوق مالکیت محروم می‌سازد و این محرومیت، فقر خانوارها را عمیق‌تر می‌کند؛ زیرا زنان نمی‌توانند به‌طور مستقل از زمین برای معیشت استفاده کنند.

کنترل مردان بر زمین: مشارکت‌کننده کد ۵ (زن، ۲۹ ساله، بدون مالکیت) می‌گوید: «مردها تصمیم می‌گیرن چی بکارن، من فقط کار می‌کنم. صبح تا غروب تو زمینم، ولی هیچی به اسمم نیست، اگه بگم فلان کار رو بکنیم گوش نمی‌دن.» این نقل‌قول تسلط مردان بر مدیریت زمین را نشان می‌دهد و در سخنان ۶ نفر مطرح شد. تحلیل این زیرمضمون بیانگر آن است که حتی در مواردی که زنان در کشاورزی مشارکت دارند، قدرت تصمیم‌گیری در دست مردان است. مشارکت فعال زنان محدود است و آن‌ها به نیروی کار بدون اختیار تبدیل می‌شوند.

مضمون «تبعیض جنسیتی در منابع» با سهم ۳۱/۰ درصد از کدها، یک عامل ساختاری کلیدی در تشدید فقر را نمایان می‌سازد. در مقایسه با جوامع غربی که مالکیت زنان به رسمیت شناخته شده، در روستای دهرم سنت‌های قوی‌تر این نابرابری را عمیق‌تر کرده است. نبود مالکیت و کنترل مردان، زنان را از منابع اقتصادی محروم می‌کند و این محرومیت به‌طور غیرمستقیم بر کل خانوار اثر می‌گذارد؛ زیرا نیمی از جمعیت از مشارکت فعال در تولید معیشت باز می‌مانند.

فشارهای اجتماعی فقر: این مضمون با ۶۵ کد و سهم ۲۲/۴ درصد، پیامدهای اجتماعی ناشی از محدودیت زمین و تبعیض جنسیتی را نشان می‌دهد و بیانگر تأثیرات عمیق فقر بر ساختار اجتماعی دهرم است. این مضمون شامل دو زیرمضمون است:

رفتن جوانان به شهر: مشارکت‌کننده کد ۹ (مرد، ۶۰ ساله، مالک ۳ هکتار در ۵ قطعه) اظهار می‌دارد: «جوون‌هامون رفتن شهر دنبال کار، اینجا چیزی براشون نیست. پسرمان الان تو شهر کارگری می‌کنه. می‌گه با این زمین‌ها که نمی‌شه زندگی کرد. منم دیگه حرفی ندارم بزنم.» این گفته مهاجرت جوانان به‌دلیل نبود فرصت‌های شغلی را نشان می‌دهد و در اظهارات ۸ نفر تکرار شده است. تحلیل این زیرمضمون حاکی از آن است که فقر اقتصادی ناشی از محدودیت زمین، نسل جوان را به ترک روستا و جست‌وجوی کار در شهرها (اغلب به‌صورت کارگری) سوق می‌دهد و روستا را از نیروی کار فعال خالی می‌کند.

حس ناامیدی: مشارکت‌کننده کد ۱۱ (زن، ۳۱ ساله، بدون مالکیت) می‌گوید: «دیگه /امیدی نیست. با این زمین‌ها نمی‌شه زندگی کرد. هر روز که می‌گذره فکر می‌کنم دیگه راهی برای بهتر شدن نیست. بچه‌هام هم می‌گن ما اینجا نمی‌مونیم.» این نقل‌قول یأس عمومی از وضعیت معیشتی را نشان می‌دهد و در سخنان ۵ نفر مطرح شد. تحلیل این زیرمضمون بیانگر آن است که تداوم فقر و نبود چشم‌انداز بهبود، حس ناامیدی را در میان ساکنان تقویت می‌کند و انگیزه برای ماندن و تلاش را کاهش می‌دهد.

به‌طور کلی مضمون «فشارهای اجتماعی فقر» با سهم ۲۲/۴ درصد از کدها، پیامدهای محدودیت زمین و تبعیض جنسیتی را نشان می‌دهد. مهاجرت جوانان و حس ناامیدی، چرخه فقر را تداوم می‌بخشد که با یافته‌های مطالعات دیگر هم‌راستا است. این پیامدها نه تنها ساختار اجتماعی روستای دهرم را تضعیف می‌کند، بلکه آینده اقتصادی آن را نیز به خطر می‌اندازد.

الگوهای تقاطعی براساس جنسیت و سن: این الگوها نشان می‌دهد زنان بیشتر به تبعیض جنسیتی و ناامیدی و مردان به خردشدن اراضی و مهاجرت توجه دارند. افراد مسن‌تر محدودیت‌های زمین و جوان‌ترها مهاجرت را پررنگ‌تر می‌بینند. یکی از زنان گفت: «ما زن‌ها هیچ حقی نداریم، نه زمین، نه تصمیم.» در مقابل، یکی از مردان اظهار داشت: «زمنمون تیکه‌تیکه شده، نمی‌تونیم کاری کنیم.» این تفاوت‌ها تأیید می‌کنند که فقر در روستای دهرم چندلایه است و تجربه‌های متفاوتی را برای گروه‌های مختلف به همراه دارد. این چندلایگی، نیاز به راهکارهای متنوع و هدفمند را برای کاهش فقر برجسته می‌کند.

جدول ۷. الگوهای تقاطعی براساس جنسیت و سن

زیرمضمون	کل	تعداد گزارش‌دهنده فقر	درصد	تعداد کدها	نمونه کد مرتبط
جنسیت: زنان	۸	۷	۸۷/۵	۱۵۵	«زن‌ها حقی ندارن»، «زندگی سخت شده»
جنسیت: مردان	۷	۶	۸۵/۷	۱۳۵	«زمین تکه‌تکه شده»، «پسرهام رفتن»
سن: زیر ۴۰	۶	۵	۸۳/۳	۱۲۰	«چوون‌هامون رفتن»، «درآمد کمه»
سن: بالای ۴۰	۹	۸	۸۸/۹	۱۷۰	«ارث زمین رو خراب کرد»، «امیدی نیست»

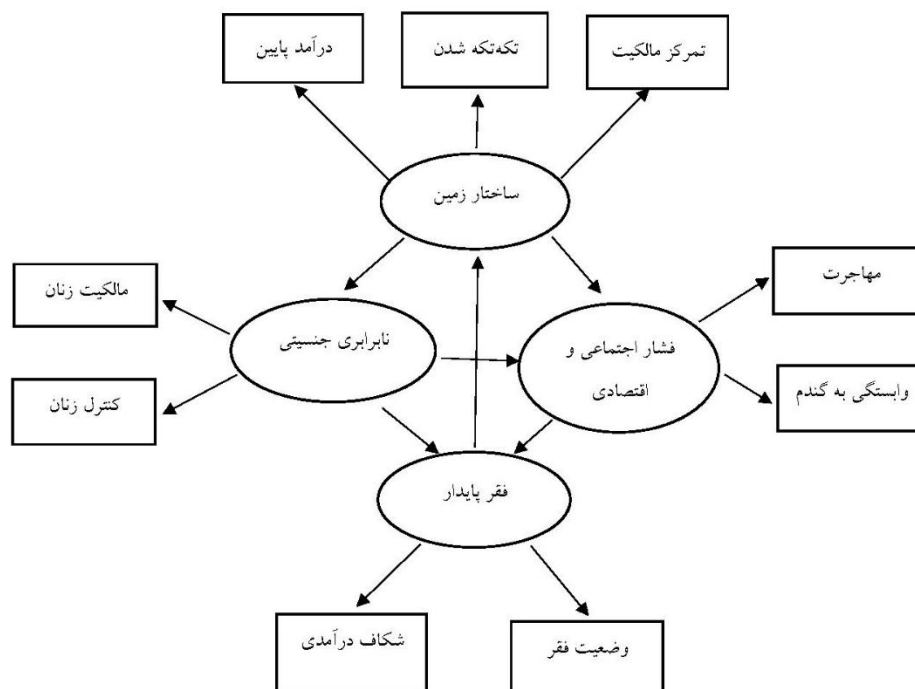
۵-۵. تحلیل روابط متغیرها

نابرابری در مالکیت زمین، خردشدن اراضی و نابرابری جنسیتی به‌صورت سیستمی فقر را در روستای دهرم تقویت می‌کنند. این متغیرها در یک چرخه به‌هم‌پیوسته عمل می‌کنند و یکدیگر را تشدید می‌کنند (جدول ۶). نابرابری در مالکیت زمین، با محدودکردن دسترسی اکثریت خانوارها به منابع، درآمد را کاهش داده و آن‌ها را به کشت کم‌بازده وابسته کرده است (جدول‌های ۲ و ۵). خردشدن اراضی، با پراکنده‌کردن زمین‌ها به قطعات کوچک، بهره‌وری را کاهش و هزینه‌های مدیریت را افزایش داده است (جدول ۵). این وضعیت، معیشت خانوارها را شکننده کرده است: «زمنمون تیکه‌تیکه شده، نمی‌شه کاری کرد» (جدول ۶). نابرابری جنسیتی، با محروم‌کردن زنان از مالکیت و تصمیم‌گیری، ظرفیت جبران این محدودیت‌ها را سلب کرده است: «همه‌چیز به اسم مردهاست» (جدول ۷). تحلیل‌ها نشان می‌دهد مشارکت‌نکردن زنان درآمد را کاهش داده است (جدول ۴). این متغیرها به‌صورت متقابل عمل می‌کنند: نابرابری زمین منابع را محدود کرده، خردشدن اراضی تولید را غیراقتصادی کرده و نابرابری جنسیتی توان جبران را از بین برده است (جدول ۷). تعامل نابرابری مالکیت زمین، خردشدن اراضی و نابرابری جنسیتی سبب نهادینه‌شدن فقر اقتصادی، اجتماعی

(مانند مهاجرت جوانان) می‌شود و با بازخورد، نابرابری را تشدید می‌کند. الگوهای تقاطعی تفاوت‌های جنسیت و سن بر ادراک و تجربه فقر اثر دارند؛ به‌طوری‌که زنان و مردان و همچنین گروه‌های سنی مختلف، فقر را به شکل متفاوتی درک می‌کنند.

۵-۶. مدل مفهومی

مدل مفهومی پیشنهادی با سازمان‌دهی منطقی یافته‌ها، تعامل سیستمی نابرابری در مالکیت زمین، خردشدن اراضی و نابرابری جنسیتی را در تداوم فقر در روستای دهرم روشن می‌کند. برخلاف تحلیل‌های تک‌بعدی، این مدل فقر را به‌عنوان مسئله‌ای چندلایه بررسی می‌کند و چارچوبی جامع برای درک چرخه فقر ارائه می‌دهد. با پیوند به نظریه‌های الکایر و فوستر (۲۰۱۱)، فرویدنبورگ (۱۹۹۲) و کبیر (۱۹۹۹) مدل پژوهش نشان می‌دهد چگونه این متغیرها به‌صورت متقابل یکدیگر را تقویت می‌کنند.



شکل ۲. مدل مفهومی پیشنهادی: چرخه نابرابری و فقر در دهرم

۶. بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با رویکرد ترکیبی (کمی و کیفی) به بررسی تأثیر نابرابری در مالکیت زمین، خردشدن اراضی و نابرابری جنسیتی بر تداوم فقر در روستای دهرم از شهرستان سلسله پرداخته است. هدف مطالعه، توصیف چگونگی اثرگذاری این عوامل بر معیشت خانوارها در این روستا بود. یافته‌ها نشان داد نابرابری در مالکیت زمین، با تمرکز زمین در دست اقلیتی از خانوارها، دسترسی اکثریت به منابع تولیدی را محدود کرده و درآمد خانوارهای خرده‌مالک را کاهش داده است. ۶۶/۶ درصد از اراضی در اختیار ۳۵/۴ درصد از خانوارها (طبقه بالا) قرار دارد؛ درحالی‌که ۶۴/۶ درصد از خانوارها (طبقات پایین) فقط مالک ۳۳/۴ درصد از زمین‌ها هستند. این

نابرابری، درآمد طبقه بالا را به بیش از ۱۵/۳۸ میلیون تومان و درآمد طبقه پایین را به ۱/۴۳ میلیون تومان رسانده است (جدول ۵) که با نتایج پژوهش پیش‌بهار و همکاران (۱۳۹۸) هم‌راستا است؛ پژوهشی که نابرابری و خرد شدن اراضی را از عوامل اصلی فقر معرفی می‌کند.

تحلیل کیفی با مضمون غالب «محدودیت زمین و معیشت» (۴۶/۷ درصد از کدها)، ابعاد عمقی این مسئله را روشن ساخته است. نقل‌قول‌هایی مانند «زمینمون تیکه‌تیکه شده» (کد ۱) و «با دو هکتار نمی‌شه زندگی کرد» (کد ۴) نشان‌دهنده غیراقتصادی شدن کشاورزی و وابستگی شدید به کشت گندم هستند. این یافته با نظریه وابستگی منابع فرویدنبورگ (۱۹۹۲) هم‌راستا است که توزیع نابرابر منابع را عامل شکنندگی اقتصادی می‌داند. شرایط دهرم از تحلیل فائو (۲۰۲۰) نیز فراتر می‌رود؛ چرا که میانگین مالکیت ۰/۸۴ هکتار در طبقه پایین، بیانگر وضعیت بحرانی‌تری است.

پدیده خردشدن اراضی (میانگین ۲/۶ قطعه برای خانوارهای طبقه پایین) کاهش بهره‌وری را به دنبال داشته که براساس نتایج رگرسیون ($\beta=0.926$; $p<0.05$) به صورت معنادار تأیید شده است. تحلیل کیفی نیز با مضمون «تکه‌تکه شدن زمین» (۳۰ کد)، این یافته را تقویت می‌کند؛ چنان‌که عبارت «زمین پدری صد تیکه شد» (کد ۷)، نقش تقسیم ارثی در این فرایند را برجسته می‌سازد. این مسئله با نتایج چن و همکاران (۲۰۲۲) همخوان است. در دهرم، مضمون «کشت محدود به گندم» (۱۵ کد) نشان می‌دهد کمبود منابع آبی، تنوع کشت را محدود و فشارهای معیشتی را تشدید کرده است. این امر، هم‌راستا با یافته‌های یوسفی و همکاران، (۱۳۹۴) است که فقر را پدیده‌ای چندبعدی می‌دانند و بر ترکیب محرومیت درآمدی با محدودیت‌های منابع تأکید دارند.

نابرابری جنسیتی نیز در این زمینه حائز اهمیت است. یافته‌های کمی حاکی از آن است که درآمد خانوارهای دارای کمتر از ۴ هکتار زمین، پایین‌تر از خط فقر ملی (۹/۸ میلیون تومان) قرار دارد. در تحلیل کیفی، مضمون «تبعیض جنسیتی در منابع» (۳۳/۳ درصد از کدها)، این نابرابری را به‌خوبی آشکار کرده است. گزاره‌هایی مانند «زن جماعت زمین نداره» (کد ۵) و «مردها تصمیم می‌گیرن» (کد ۱۴)، محرومیت زنان از مالکیت زمین و مشارکت در تصمیم‌گیری را نشان می‌دهند. این یافته با پژوهش صادق‌لو و همکاران (۱۳۹۹) هم‌راستا است و نظریه کبیر (۱۹۹۹) را نیز تأیید می‌کند که تبعیض جنسیتی را مانعی ساختاری برای توسعه معیشتی می‌داند. برخلاف نتایج آکیتویو و آدسانیا (۲۰۲۱)، در دهرم، این تبعیض با پدیده خردشدن اراضی در تعامل است و به تعمیق فقر منجر شده است.

پیامدهای اجتماعی فقر نیز قابل‌توجه است. مضمون «فشارهای اجتماعی فقر» (۲۰ درصد کدها)، به مهاجرت و ناامیدی اجتماعی اشاره دارد؛ از جمله «جوون‌هامون رفتن شهر» (کد ۱۰) و «اینجا آینده‌ای نیست» (کد ۱۲). این نتایج با نظریه فقر چندبعدی الکایر و فوستر (۲۰۱۱) هم‌راستا است که مهاجرت و انزوای اجتماعی را از ابعاد محرومیت اجتماعی قلمداد می‌کند. برخلاف رویکرد رحمان و احمد (۲۰۲۳) که توسعه زیرساخت‌هایی مانند جاده را راه‌حل می‌دانند، تجربه دهرم نشان می‌دهد بدون اصلاح نابرابری‌های ساختاری در مالکیت زمین و رفع تبعیض جنسیتی، توسعه زیرساختی ناکافی خواهد بود.

درمجموع، نابرابری در مالکیت زمین، با تمرکز منابع در طبقات بالا، دسترسی بیشتر خانوارها را محدود ساخته است. پدیده خردشدن اراضی، تولید را در سطح خرد غیراقتصادی کرده و تبعیض جنسیتی نیز با حذف مشارکت زنان، ظرفیت‌های جبرانی را کاهش داده است. داده‌های کیفی این تعامل پیچیده را به‌خوبی نشان داده‌اند: عباراتی مانند «زمین تکه‌تکه شده» و «زن‌ها حقی ندارن» به تشدید فشارهای معیشتی منجر شده و «مهاجرت جوانان» را به دنبال داشته است. این چرخه، تداوم فقر اقتصادی (با ۸۵ درصد خانوار زیر خط فقر)، فقر اجتماعی (تخلیه روستاها) و فقر ساختاری را نشان می‌دهد؛ امری که با اهداف این پژوهش هم‌راستا است.

تمام شماری ۴۸ خانوار، نتایج را به روستای دهرم محدود کرد. نمونه کیفی (۱۵ مصاحبه) ممکن است تنوع دیدگاه‌ها را کامل پوشش نداده باشد. تغییرات آب‌وهوایی بر درآمد اثر گذاشته که سعی شد با میانگین‌گیری کنترل شود. پژوهش‌های آتی می‌توانند یکپارچه‌سازی اراضی یا توانمندسازی زنان را در مقیاس بزرگ‌تر بررسی کنند.

در راستای یافته‌ها و نتایج تحقیق پیشنهاداتی ارائه می‌شود: ایجاد تعاونی‌های محلی برای توزیع عادلانه‌تر زمین و کاهش نابرابری؛ آموزش کشاورزی مدرن و حمایت از یکپارچه‌سازی اراضی برای بهبود بهره‌وری؛ ثبت مشترک مالکیت زمین برای زنان برای تقویت مشارکت آن‌ها؛ توسعه آبیاری مدرن و کشت محصولات متنوع (مثل لوبیا) برای کاهش وابستگی به گندم؛ و ایجاد مشاغل محلی (مثل فرآوری محصولات) برای جلوگیری از مهاجرت جوانان.

مأخذ مقاله: تألیف مستقل. در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- آقاجانی، حبیب و چشمالوس، سعیده (۱۴۰۰). تأثیر توسعه راه‌های روستایی بر شاخص فقر روستایی در استان‌های ایران. *جغرافیا و برنامه‌ریزی*، ۲۵(۷۵)، ۱۷-۳۳. <https://doi.org/10.22034/gp.2021.39065.2593>
- پورطاهری، مهدی، طالبی، حسین و رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۹۰). تحلیل عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر کاهش فقر روستایی با تأکید بر فقر غذایی: بخش خلجستان استان قم. *آمایش فضا و ژئوماتیک*، ۱۵(۲)، ۶۱-۸۰.
- یوسفی، علی، مهدیان، شکبیا و خلج، سکینه (۱۳۹۴). شناسایی عوامل تعیین‌کننده فقر چندبعدی در مناطق روستایی ایران. *پژوهش‌های روستایی*، ۶(۴)، ۶۹۹-۷۲۱. <https://doi.org/10.22059/jrur.2015.57106>
- صادقلو، طاهره، خوب، شادی و صاحبی، شیرین (۱۳۹۹). بررسی تأثیرات تبعیض جنسیتی بر میزان مشارکت‌پذیری زنان روستایی (منطقه مورد مطالعه: دهستان‌های گل‌مکان و رادکان شهرستان چناران). *زن در توسعه و سیاست*، ۱۸(۱)، ۲۳-۵۳. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2020.291192.1007738>
- دربان آستانه، علیرضا، مطیعی لنگرودی، سید حسن و قاسمی، فرزانه (۱۳۹۷). شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر معیشت پایدار کشاورزان (مطالعه موردی: شهرستان شازند). *پژوهش‌های روستایی*، ۹(۲)، ۳۲۴-۳۳۷. <https://doi.org/10.22059/jrur.2018.241568.1165>
- هاشمی، عبدالرسول و مصطفوی، انور (۱۴۰۴). فقر شهری و بازنمایی رسانه‌ای: تحلیل محتوای رسانه‌های مدیریت شهری تهران (دوره ششم). *توسعه محلی (روستایی-شهری)*، ۱۶(۲)، ۴۰۷-۴۲۲. <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.388001.668894>
- پیش‌بهار، اسماعیل، باقرپور، شبنم و قهرمان‌زاده، محمد (۱۳۹۸). بررسی شاخص‌های فقر روستایی و عوامل مؤثر بر آن در ایران. *نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی*، ۳۳(۱)، ۴۱-۵۴. <https://doi.org/10.22067/jead2.v0i0.73388>
- ذوالفقاری، اکبر و قانع‌ی یخدان، نرگس (۱۴۰۳). فراتحلیل عوامل مؤثر بر کارآفرینی زنان روستایی (مطالعات ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱). *توسعه محلی (روستایی-شهری)*، ۱۵(۲)، ۴۰۹-۴۲۷. <https://doi.org/10.22059/jrd.2023.363424.668809>

Agarwal, B. (1994). *A field of one's own: Gender and land rights in South Asia*. Cambridge University Press.

Aghajani, H., & Cheshmalous, S. (2021). The impact of rural road development on rural poverty index in Iranian provinces. *Geography and Planning*, 25(75), 17-33. https://geoplanning.tabrizu.ac.ir/article_12480.html (In Persian)

Akintuyo, O. A., & Adesanya, A. (2021). Gender inequality and agricultural productivity: Evidence from rural Nigeria. *Journal of Rural Studies*, 81, 56-64.

- Alkire, S., & Foster, J. (2011). Counting and multidimensional poverty measurement. *Journal of Public Economics*, 95(7-8), 476-487. <https://doi.org/10.1016/j.jpubeco.2010.11.006>
- Darban Astaneh, A., Motiei Langroudi, S. H., & Ghasemi, F. (2018). Identifying and analyzing the factors affecting farmers' sustainable livelihoods (Case study: Shazand County). *Rural Research*, 9(2), 324-337. <https://doi.org/10.22059/jrur.2018.241568.1165> (In Persian)
- Deininger, K., & Olinto, P. (1999). Asset distribution, inequality, and growth. *Inequality, and Growth* (November 1999).
- FAO. (2018). The state of food and agriculture 2018: Migration, agriculture and rural development. Food and Agriculture Organization of the United Nations. <http://www.fao.org/3/i9549EN/i9549en.pdf>
- Freudenburg, W. R. (1992). Addictive economies: Extractive industries and vulnerable localities in a changing world economy. *Rural Sociology*, 57(3), 305-332. <https://doi.org/10.1111/j.1549-0831.1992.tb00467.x>
- Hashemi, A., & Mostafavi, A. (2025). Urban poverty and media representation: Content analysis of Tehran's urban management media (Sixth term). *Local Development (Rural-Urban)*, 16(2), 407-422. <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.388001.668894> (In Persian)
- Kabeer, N. (1999). Resources, agency, achievements: Reflections on the measurement of women's empowerment. *Development and Change*, 30(3), 435-464. <https://doi.org/10.1111/1467-7660.00125>
- Pishbahar, I., Bagherpour, Sh., & Ghahramanzadeh, M. (2019). Land inequality and rural poverty: A case study in western Iran. *Journal of Agricultural Economics and Development*, 10(1), 67-82. <https://doi.org/10.22067/jead2.v0i0.73388> (In Persian)
- Pourtaheri, M., Talebi, H., & Rokneddin Eftekhari, A. (2011). Analysis of economic and social effective factors on rural poverty alleviation with emphasize on nutritional poverty case study: Khalejstan District in Qom Province. *MJSP*, 15(2), 61-80. (In Persian)
- Rahman, M., & Ahmad, S. (2023). Infrastructure development and rural poverty reduction: A case study in Bangladesh. *Journal of Rural Studies*, 89, 123-134
- UNDP. (2020). *Human development report 2020: The next frontier*. United Nations Development Programme.
- Sadeghloo, T., Khoub, S., & Sahebi, S. (2020). Investigating the impact of gender inequality on the rural women Participation (Case study: Golmakan and Radekan rural district of Chenaran Township). *Woman in Development & Politics*, 18(1), 23-53. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2020.291192.1007738> (In Persian)
- Wang, X., Chen, J., & Du, X. (2024). Understanding the impact of Internet access on farmers' willingness to participate in farmer professional cooperatives. *Agricultural Economics/Zemědělská Ekonomika*, 70(7), 349-361. <http://dx.doi.org/10.17221/69/2024-AGRICECON>
- Yousefi, A., Mahdian, S., & Khalaj, S. (2015). Determinants of multidimensional poverty in Iran rural areas. *Journal of Rural Research*, 6(4), 699-721. <https://doi.org/10.22059/jrur.2015.57106> (In Persian)
- Zolfaghari, A., & Ghanei Yekhdan, N. (2024). Meta-analysis of factors affecting rural women's entrepreneurship (Studies from 2011 to 2022). *Local Development (Rural-Urban)*, 15(2), 409-427. <https://doi.org/10.22059/jrd.2023.363424.668809> (In Persian)